

کارکرد معنایی واژه «ید» و مشتقات آن در قرآن کریم

(مطالعه موردی تفسیر المیزان)

مهرداد آقایی^۱ (دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران)
 آرزو حسین پور (کارشناس ارشد زبان و ادبیات عربی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران)

DOI: [10.34785/j022.2022.019](https://doi.org/10.34785/j022.2022.019)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۲/۱۷

تاریخ الوصول: ۲۰۲۰/۰۵/۰۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۳/۲۹

صفحات: ۲۴۴-۲۲۹

تاریخ القبول: ۲۰۲۱/۰۶/۱۹

چکیده

معناشناسی یکی از رهیافت‌های نوین در حوزه زبان‌شناسی است که به مطالعه و تفسیر و نیز ترکیب کلمه‌ها در عبارات و جمله‌های خاص می‌پردازد. درواقع معناشناسی کلیدی برای گشایش درهای متن کلام است. این دانش در اواسط قرن نوزدهم پا به عرصه گذاشت. ماکس مولر و میشل بریل از جمله افرادی بودند که در وضع این دانش مشارکت چشم‌گیری داشتند. یکی از وجوه برجسته قرآن کریم، بلاغت آن است؛ یعنی سخنی زیبا و رسا که سخن خدا نمونه بی‌مثال است. بیان دل‌نشین آیه‌ها تعبیرهای زیبا و لطیف و به‌کارگیری صنایع ادبی و بلاغی بر قرآن جلوه و طراوت خاصی بخشیده است. آیات قرآن مجموعه‌ای از عبارات و جملاتی است که خود از واحدهای کوچک‌تری به نام کلمات یا واژه‌ها شکل یافته‌اند و در پس هر یک از این واژه‌ها علاوه بر معنای ظاهری یک معنای غیرحقیقی هم پنهان است و این خود یکی از دلایل شگفتی و اعجاز قرآن است. مقاله حاضر با روش توصیفی - تحلیلی به بررسی و تحلیل کارکرد دلالتی واژه ید در قرآن پرداخته و به این نتیجه رسیده است که خداوند در قرآن کریم از روش‌های گوناگونی برای بیان آیات استفاده کرده تا بتواند منظور خود را بهتر و راحت‌تر به انسان‌ها بفهماند و انسان‌ها مشکلی در دریافت معنا و مفهوم آیات نداشته باشند و نیز این که واژه «ید» و مشتقات آن در قرآن کریم در معانی مختلفی همچون: احساس و نعمت، قدرت و سلطنت، تصرف و مالکیت، عضو بدن به‌کار رفته است.

واژگان کلیدی: قرآن کریم، واژه ید، معناشناسی، مجاز، معنای حقیقی، تفسیر المیزان.

^۱ نویسنده مسؤول؛ پست الکترونیک: almehr55@yahoo.com

الوظيفة الدلالية لكلمة «اليد» ومشتقاتها في القرآن الكريم (تفسير الميزان نموذجاً)

الملخص

علم الدلالات هو أحد الأساليب الجديدة في مجال اللغويات التي تتعامل مع الدراسة والتفسير بالإضافة إلى مجموعة من الكلمات في عبارات وجمل محددة. في الواقع، دلالات هو المفتاح لفتح الباب للنص. ظهرت هذه المعرفة في منتصف القرن التاسع عشر. كان ماكس مولر وميشيل برايل من بين أولئك الذين ساهموا بشكل كبير في تطوير هذه المعرفة. إن أحد الجوانب البارزة في القرآن الكريم هو بلاغته، أي كلمة جميلة ومعبرة أن كلام الله هو لا مثيل له. لقد أعطى التعبير اللطيف للآيات تأثيراً خاصاً ومنعشاً على التفسيرات الجميلة والدقيقة واستخدام الصناعات الأدبية والبلاغة على القرآن. الآيات القرآنية عبارة عن مجموعة من العبارات والجمل التي تتكون من وحدات أصغر تسمى كلمات أو عبارات، وخلف كل من هذه الكلمات، بالإضافة إلى المعنى الظاهر، هناك أيضاً معنى غير واقعي، وهذا أحد أسباب عجب القرآن ومعجزته. تحلل هذه المقالة الوظيفة الدلالية لكلمة اليد في القرآن بطريقة وصفية تحليلية وتخلص إلى أن الله قد استخدم أساليب مختلفة في القرآن الكريم للتعبير عن الآيات حتى يتمكن من فهم معناها بشكل أفضل للبشر والبشر. لا توجد مشكلة في تلقي معنى ومفهوم الآيات، وأيضاً استخدام كلمة "اليد" ومشتقاتها في القرآن الكريم في معاني مختلفة مثل: الشعور والبركة، القوة والملكية، الحياة والملكية، جزء الجسم.

الكلمات الدلالية: القرآن الكريم، اليد، علم الدلالة، المجاز، المعنى الحقيقي، تفسير الميزان.

۱- مقدمه

زمانی که ساکنان سرزمین جزیره العرب به فصاحت و بلاغت خود می‌بالیدند و خود را در عرصه سخنوری برترین اقوام به شمار می‌آوردند، خداوند متعال کلامی را بر بنده خود؛ حضرت محمد (ص) نازل فرمود که با زیبایی‌های خارق‌العاده‌اش همه آن‌ها را مجذوب خویش می‌نمود. از این‌رو مخالفان خدا و پیامبر تلاش زیادی کردند تا کلامی همچون قرآن بیاورند؛ اما سعی و تلاش آنان بی‌نتیجه ماند. یکی از جلوه‌های زیبا و جذاب قرآن کریم که مورد توجه بسیاری از دانشمندان و مفسران است؛ معناشناسی قرآن است که به روشنی پرده از جمال خالق همه زیبایی‌ها برمی‌دارد. خدا در قرآن کریم با بهره جستن از الفاظ و کلمات مجرد، معانی خارق‌العاده‌ای را خلق نموده است، همین یکی از دلایل اعجاز و شگفتی قرآن است. اولین گام در معناشناسی واژگان قرآن شناخت مفردات آن است که برای این امر، واژه در بافت آیه و موقعیتی که قرار گرفته است مورد بررسی قرار می‌گیرد. مقاله حاضر، نگاهی معناشناسانه به واژه «ید» و مشتقات آن در قرآن کریم دارد و تلاش می‌کند تا این واژه را با استفاده از ابزارهای بلاغی همچون مجاز، استعاره و کنایه بکاود؛ و معنی آن را در بافت آیه بشناسد.

۱-۱- سؤال‌های تحقیق

هدف از این پژوهش شناخت و بررسی معانی واژه ید است که با بررسی و تحلیل این واژه و با یافتن معانی آن فصاحت و بلاغت قرآن در نظر خواننده نمود بیشتری پیدا می‌کند و باری دیگر در برابر قدرت و عظمت خالق یگانه سر تعظیم فرود می‌آورد. مقاله حاضر در صدد آن است که پاسخ-گوی این دو سؤال باشد:

۱- واژه ید در قرآن کریم در قالب چه معناهایی اراده شده و بکار رفته است؟

۲- کدام معنای واژه «ید» از بسامد بالایی برخوردار است؟

۱-۲- پیشینه پژوهش

تحقیقات متعددی درباره معناشناسی واژگان قرآنی انجام شده که از جمله آن‌ها می‌توان به کتاب «معناشناسی واژگان قرآنی» به قلم صالح عضیمه ترجمه سیدحسین سیدی و حمیدرضا نگهبان و مقاله «روش شناسی کتاب معناشناسی واژگان قرآنی عضیمه صالح» به قلم زینب السادات حسینی؛ اکرم حسین زاده و پریسا حسین زاده در نخستین همایش ملی واژه پژوهی در علوم اسلامی دانشگاه یاسوج و مقاله «معناشناسی تاریخی واژه «رب»» به قلم محمدعلی خوانین زاده در مجله پژوهش‌های زبان‌شناختی قرآن دانشگاه اصفهان و مقاله «رویکردی زبان‌شناختی پیرامون چندمعنایی واژه «رحمة» در قرآن کریم» نوشته سید ابوالفضل سجادی و سمیه ماستری فراهانی در مجله پژوهش‌های ادبی - قرآنی و مقاله «معناشناسی حسن و قبح در قرآن و احادیث» نوشته

احمد پاکتچی در مجله روش شناسی مطالعات دینی و مقاله «معناشناسی تاریخی و توصیفی واژه «سبیل» در قرآن کریم» به قلم سید ابوالفضل سجادی و سحر محبی در دوفصلنامه قرآن پژوهی حسنا اشاره کرد و نیز مقاله «دلالات الید فی المعتقدات الدینیة و المعتقدات السامیة» نوشته ایاد رستم المصری و میرنا حسین مصطفی در مجله الفنون اردن و مقاله «حرکة الید فی القرآن الکریم و دلالتها البلاغیة» نوشته السید محمد سالم و کمال عبد العزیز ابراهیم در مجله جسور المعرفة الجزائر و مقاله «دراسة کنایات الید فی القرآن الکریم والأدب العربی» نوشته محمد اسمعیل زاده در مجله آفاق الحضارة الاسلامیة.

۲- چارچوب نظری

۲-۱- معناشناسی

معناشناسی یکی از بخش‌های دانش زبان‌شناسی است که در سال‌های اخیر مورد توجه خاص زبان‌شناسان قرار گرفته است. اصطلاح معناشناسی در زبان انگلیسی به «semantics» و در زبان عربی به «علم الدلالة» یا «علم المعنی» مشهور است. در تعریف این علم نظریه‌های مختلفی وجود دارد که دارای افتراقات و اشتراکاتی است؛ از جمله می‌توان به نظریه لاینز اشاره کرد که می‌گوید: «علم معناشناسی مطالعه علمی معنا است» (لاینز، ۱۹۲۳: ۱۰) و یا به نظریه پالمر که می‌گوید: «اصطلاحی فنی است که به مطالعه معنا اطلاق می‌شود» (هادی، ۱۳۹۱: ۴) پالمر در ادامه کتاب خود می‌گوید «یکی از نتایجی که با مطالعه این مختصر به دست می‌آید این است که معناشناسی رشته‌ای بسیط و یکپارچه نیست. در حقیقت می‌توان گفت که معناشناسی به مجموعه کلی دانش بشری مرتبط است.» (همان: ۵).

در تکمیل این تعاریف باید گفت که معناشناسی علمی است که به بررسی معنا و مفهوم نشانه‌های مختلف در کلام می‌پردازد؛ و منظور اصلی از معنی‌شناسی، شناخت توانایی سخنگویان به یک زبان و فهمیدن صحبت‌ها و پی بردن به منظورهای یکدیگر است. به‌طور کلی بررسی ارتباط میان واژه و معنا را معناشناسی می‌گویند.

دیرزمانی است که بشر از زبان به‌عنوان ابزاری برای ایجاد ارتباط و تفهیم و تفاهم با یکدیگر استفاده می‌کند. «اگرچه بسیار از رفتارهای انسان را می‌توان معنی‌دار دانست، اما دامنه نوع و پیچیدگی معانی‌ای که از طریق زبان بیان می‌شوند، با هیچ شکل دیگری از رفتار ارتباطی انسان یا غیر انسان قابل مقایسه نیست» (لاینز، ۱۳۹۲: ۲۱). گاهی از الفاظی استفاده می‌شود که این الفاظ در نهان خود دانسته‌هایی دارد و باید کشف شوند. به‌عبارت‌دیگر وقتی ما یک واژه‌ای را که در متن آمده به کار می‌بریم گاهی منظورمان مصداق خارجی و موجود عینی تحقق‌یافته در خارج است، اما گاهی منظورمان از کاربرد آن واژه مصداق خارجی آن نیست؛ بنابراین به یک ابزاری نیازمندیم تا

به وسیله آن بتوان به معنای پنهان این الفاظ راه یابیم. «باید توجه داشت که معنی واژه به تنهایی و به صورت مجرد نمی تواند مورد نظر باشد، بلکه معنی آن در ارتباط با سایر واژگان و شاید با تمامی جمله باید مدنظر قرار گیرد و به همین دلیل نباید به دنبال شناخت معنی این گونه واژگان به صورت مجرد بود» (هادی، ۱۳۹۱: ۴).

علم معناشناسی علم جدیدی است که به مطالعه علمی این معنی می پردازد. به عبارت دیگر «معناشناسی کار کشف سازوکارهای معنا را با مطالعه علمی به عهده دارد؛ معنایی که در پس لایه های متن ذخیره شده است. هر چه متن پیچیده تر، ادبی تر، چندلایه تر، در صد انتقالی معنایی بیشتر و حجم زبانی کمتر باشد، کار معناشناسی نیز به همان میزان سخت تر و پرهیجان تر و به تبع آن نیاز به قواعد نظم و قانون های منسجم بیشتر می شود» (هادی، ۱۳۹۱: ۲).

۱-۱-۲- تاریخچه معناشناسی

مطالعه و بررسی ها نشان می دهد «نخستین مطالب دانش معناشناسی از اواسط قرن نوزدهم پا به عرصه وجود گذاشت و مهم ترین کسانی که در وضع مبانی آن مشارکت داشتند عبارت اند از: ماکس مولر و میشل بریل. میشل بریل نخستین کسی بود که در سال ۱۸۹۷ اصطلاح «semantics» را برای بررسی معنا به کاربرد. پس از او زبان شناسی همچون آدولف نورین و کریستوفر نوروپ و گوستاف استرن استیفن اولمان پژوهش های معناشناسی را ادامه دادند و در این زمینه آثار ارزشمندی از خود به جای گذاشتند» (سیدی، ۱۳۹۳: ۸۸).

۲-۲- دلالت

از دیرباز تا به امروز زبان شناسان نظریه های مختلفی را در مورد نشانه زبانی و دلالت ارائه داده اند که همه معرف مسئله رابطه بین زبان و جهان بوده است. (ر.ک: سجودی، ۱۳۸۸: ۴۷).

دلالت مفهومی وسیع و کاربردی فراگیر دارد، به همین دلیل به سختی می توان تعریف جامع و کاملی برای آن ارائه کرد. با این حال بیشتر تعاریفی که برای مفهوم «دلالت» ارائه شده، شبیه به یکدیگر هستند و در میان دانشمندان اختلاف چندانی در این موضوع وجود ندارد. از نظر بیشتر منطق دانان، دلالت عبارت از «حالتی است که در آن علم به یک چیزی علم به چیز دیگری را در پی داشته باشد» (خوانساری، ۱۳۶۳: ۶۱).

همچنین سجودی در کتاب نشانه شناسی خود گفته: «مفهوم دلالت رابطه ایجابی است که در بین دال و مدلول برقرار است. میدانیم که سوسور نشانه زبانی را متشکل از یک دال (تصور صوتی) و یک مدلول (تصور مفهومی) می داند و رابطه بین این دو را که به نشانه هستی و انسجام می بخشد، دلالت می نامد.» (سجودی، ۱۳۸۸: ۵۰).

به‌عنوان مثال وقتی می‌گوییم «آب»؛ کلمه آب دال است و مدلولش همان مدلول مفهومی است متافیزیکی مفهومی که هست تا دال را در فرآیند دلالت به آرامش برساند. دال بدون تصور مدلول رهاست؛ فاعلی است که میل به فعلش ارضا نشده است؛ و همیشه انرژی فاعلی خود را داراست، مدلول لازم است تا در حکم مفعول این انرژی فاعلی را در کنش دلالت تخلیه کند و به آرامش برساند. (ر.ک: سجودی، ۱۳۸۸: ۵۳).

بنابراین از تعاریف بالا دانسته می‌شود که هر دال مدلولی دارد و باید به‌گونه‌ای باشد که هنگام علم به وجود دال، ذهن آدمی به وجود مدلول منتقل گردد. پس از روشن شدن تعریف دلالت، نوبت به بررسی انواع و اقسام آن می‌رسد. دلالت بر سه دسته تقسیم شده است: دلالت عقلی، دلالت طبیعی و دلالت وضعی.

۱- دلالت عقلی: این نوع دلالت درجایی است که میان دال و مدلول یک رابطه ذاتی وجود داشته باشد؛ مانند اثر و مؤثر. مثلاً اگر انسان بداند روشنایی صبح اثر طلوع خورشید است؛ و آنگاه پرتو نور را بر روی دیوار مشاهده کند، یقیناً به طلوع خورشید منتقل خواهد شد. پس روشنایی صبح دلالت عقلی بر طلوع خورشید دارد.

۲- دلالت طبیعی: دلالت طبیعی به دلالتی گفته می‌شود که در آن رابطه میان دال و مدلول رابطه‌ای طبیعی بوده و این رابطه در طبع انسان‌ها وجود داشته باشد. به‌عنوان مثال طبع برخی از مردم اقتضا می‌کند هنگام احساس درد بگوید: «آخ» حال اگر انسان از چنین رابطه‌ای آگاه باشد، ذهنش از یک شیء دیگر منتقل خواهد شد. مثلاً هنگامی که صدای «آخ» به گوش او می‌رسد می‌فهمد که دردی به صاحب آن صدا وارد شده است.

۳- دلالت وضعی: دلالت وضعی درجایی است که رابطه میان دو شیء از وضع قرارداد نشأت می‌گیرد؛ قرارداد بر اینکه وجود یکی، دلیل بر وجود دیگری است (ر.ک: مظفر، ۱۳۸۴: ۶۰-۶۱). به‌طور مثال دلالت چراغ قرمز به ممنوع بودن عبور و یا دلالت چراغ سبز بر جواز عبور قراردادهای بین‌المللی هستند که میان همه افراد دنیا وضع شده‌اند. در زندگی روزمره انسان‌ها دلالت وضعی پرکاربردترین نوع دلالت است، زیرا تمام زبان‌ها و نشانه‌گذاری‌ها و علائم رمزی، همگی بر اساس همین نوع دلالت پایه‌ریزی می‌شوند. دلالت وضعی خود بر دو نوع تقسیم می‌شود که عبارت‌اند از:

۱-۲-۲- دلالت لفظی و غیرلفظی

دلالت لفظی: دلالت لفظی عبارت است از آنکه به‌گونه‌ای باشد که اگر انسان بداند متکلم آن لفظ را بیان کرده است به معنای مراد شده از آن لفظ پی برد» (همان، ۶۳). دلالت لفظ بر معنا سه وجه و گونه مختلف است:

۱- دلالت مطابقت: بدین صورت که در جمله‌ای یک لفظ برای نشان دادن تمام مدلول خود به کار گرفته شود، در اصطلاح متعلق این نوع دلالت «دلالیت مطابقتی» و یا «تطابقی» می‌نامند؛ مانند دلالت لفظ کتاب بر تمام معنای آن که همه برگ‌ها و خطوط و نقش‌های داخل آن و نیز جلد آن را شامل می‌شود.

۲- دلالت تضمن: در دلالت تضمنی برخلاف دلالت، مطابقتی لفظی که به‌عنوان دال استفاده می‌شود تمام مدلول خود را نشان نمی‌دهد، بلکه نشان‌دهنده جزئی از مدلول خود است؛ مانند دلالت لفظ کتاب تنها بر برگ‌های آن و یا فقط بر جلد آن.

۳- دلالت التزام: گاهی اوقات میان یک مفهوم و مفهوم دیگر تلازم همراهی شدید وجود دارد؛ در چنین حالتی می‌توانیم لفظی را که دلالت بر مفهوم اول دارد به کار ببریم، اما منظور ما مفهوم ملازم باشد؛ مانند دلالت دوات بر قلم. اگر کسی از شما بخواهد دواتی برای او بیاورد و قلم را ذکر نکند و شما نیز فقط دوات را برای او بیاورید در این صورت شما را مواخذة کرده و خواهد گفت: درخواست دوات برای دلالت قلم کفایت می‌کند. این نوع دلالت را دلالت التزامی می‌نامند. (ر.ک: همان، ۶۳ و ۶۴)

دلالیت غیرلفظی: «و این درجایی است که دال، چیزی غیر از لفظ باشد؛ مانند علائم، خطوط، تصویرها و امور ملحق به آن، مثل علامت‌ها و رمزهای علوم و تابلوهایی که در جاده برای بیان اندازه مسافت و یا تعیین جهت راه به‌سوی محل و یا شهری نصب‌شده و غیر آن (همان، ۶۲).

۲-۲-۲- حقیقت (دلالت اولیه)

یکی از اسلوب‌های بیانی حقیقت و مجاز است. دو واژه حقیقت مجاز، کاملاً نقطه مقابل هم هستند و بدون شناخت حقیقت مجاز شناخته نمی‌شود. اصل در لغت بر این است که بر حقیقت دلالت کند؛ اما گاهی به جهت حصول معنی می‌بینیم که معنی از حقیقت به مجاز عدول کرده است. «حقیقت در اصطلاح بلاغت عبارت است از استعمال هر کلمه‌ای که از آن همان مفهوم یا معنایی که وضع‌کننده آن کلمه در نظر داشته است. اراده می‌شود، برخی دیگر از علمای بلاغت می‌گویند: حقیقت به کار بردن لفظی است در معنایی که در اصطلاح مخاطب (محاوره) برای آن وضع‌شده است. (ادریسی، ۱۳۷۹: ۲۷)

در تکمیل این تعاریف می‌توان گفت؛ حقیقت همان لفظی است که در معنای اصلی خود یا به عبارتی در معنای وضع‌شده خود در زبان هنجار بکار رفته است.

۳-۲-۲- مجاز (دلالت ثانویه)

مجاز نیز به کار بردن لفظ در غیر معنای حقیقی و وضع‌شده خود است. در هنگام استعمال مجاز، باید قرینه صارف‌های وجود داشته باشد تا مانع از اراده معنای حقیقی گردد؛ و همچنین باید میان

معنای حقیقی و مجازی علاقه‌ای وجود داشته باشد تا امکان به کار بردن لفظ در معنای مجازی را فراهم سازد. به عبارت دیگر «در مجاز باید علاقه باشد و علاقه همان مناسبتی است که میان معنای حقیقی و معنی مجازی موجود است و این علاقه یا مشابهت است یا غیر مشابهت» (همان، ۴۷)

مجاز به دو قسمت لغوی و عقلی تقسیم می‌شود که مجاز لغوی در کلمه جریان دارد ولی مجاز عقلی در استناد، یعنی در نوع ربطی که بین برخی از کلمات است (ر.ک: هاشمی: ۳۱۲). مجاز لغوی نیز به دو قسمت تقسیم می‌شود: مجاز مرسل و مجاز بالاستعاره. در صورتی که علاقه میان معنای مجازی و حقیقی علاقه مشابهت باشد استعاره است و اگر علاقه به چیزی غیر از مشابهت باشد، مجاز مرسل است.

۴-۲-۲- انواع علاقه در مجاز مرسل

- ۱) سببیه: و آن در صورتی است که لفظ سبب ذکر شود و از آن سبب اراده گردد.
- ۲) مسببیت: و آن در صورتی است که لفظ مسبب ذکر شود و از آن سبب اراده گردد.
- ۳) کلیت: و آن در صورتی است که لفظ کل ذکر شود و از آن جز اراده گردد.
- ۴) جزئیت: و آن در صورتی است که لفظ جزء ذکر شود و از آن کل اراده شود.
- ۵) لازمیت و ملزومیت: و آن در صورتی است که وجود چیزی، الزاماً همراه با وجود چیز دیگر باشد.
- ۶) آلیت: و آن در صورتی است که اسم آلت ذکر شود و از آن اثر حاصله از آن اراده شود.
- ۷) عموم و خصوص: و آن در صورتی است که با لفظی که بر عموم دلالت دارد، چیز خاصی اراده گردد یا با لفظی که بر خاص دلالت دارد بر چیز عامی اشاره کند.
- ۸) به اعتبار ماکان: و آن نگریستن به گذشته است یعنی نام‌گذاری چیزی به ویژگی یا نامی که در گذشته داشته است.
- ۹) اعتبار مایکون: و آن نگریستن به آینده است و آن اطلاق اسمی است به چیزی که باید در آینده آن نام را بگیرد.
- ۱۰) حالیت و محلّیت: و آن در صورتی است که لفظ حال ذکر شود و محل آن اراده گردد و یا لفظ محل ذکر شود و حال از آن اراده گردد.
- ۱۱) بدلیت و مبدلیت: و آن در صورتی است که چیزی بدل از چیز دیگر و یا مبدل منه از چیز دیگر باشد.
- ۱۲) مجاورت: و آن در صورتی است که چیزی مجاور چیز دیگر باشد. (ر.ک: هاشمی: ۳۱۲)

۲-۳- مجاز عقلی

مجاز عقلی اسناد فعل یا شبه فعل به چیزی است که در ظاهر حال متکلم منسوب به آن نیست و این اسناد به جهت وجود علاقه است و همراه قرینه‌ای که ما از این که اسناد به چیزی باشد که برای اوست باز می‌دارد. مشهورترین علاقه‌های مجاز عقلی عبارت‌اند از: ۱- اسناد به زمان ۲- اسناد به مکان ۳- اسناد به سبب ۴- اسناد به مصدر ۵- اسناد اسم فاعل به اسم مفعول ۶- اسناد اسم مفعول به اسم فاعل (ر.ک: هاشمی: ۳۱۸)

۲-۴- استعاره

واژه استعاره از اصطلاحات علم بیان است. استعاره از ریشه «ع.و.ر» گرفته شده و به معنای عاریه خواستن و عاریه گرفتن است. استعاره از نخستین مسائل علوم بلاغی است که مورد توجه مفسران قرار گرفته است و نخست از دامن مباحث مربوط به دفع شبهات از قرآن و اعجاز قرآن برخاست. استعاره بنا به گفته سیوطی «از ترکیب مجاز و تشبیه متولد شده است» (سیوطی، ۲۰۰۷: ۵۶۸) که این بیانگر طرحی نو است که از خلط دو انگاره جدیدی تولد یافته که صنعت‌گران و نواندیشان دنیای ادب و بلاغت به آن دست یازیده‌اند و یا این که می‌توان گفت استعاره در واقع «همان تشبیه فشرده است که آن قدر خلاصه و فشرده شده که از آن فقط مشبه‌به باقی مانده است» (شمیسا، ۱۳۸۳: ۵۷)، این تعریف نیز نگرشی متفاوت از تعریف اول را به ما ارائه می‌دهد و در تعریفی دیگر از استعاره می‌بینیم «استعاره گونه‌پرورده‌تر و هنری‌تر تشبیه است، تشبیه آنگاه که می‌پرورد و پندارینه‌تر می‌شود به استعاره دیگرگون می‌گردد» (کزازی، ۱۳۹۱: ۹۷). در تعریف استعاره گفته‌اند: کاربرد لفظ در معنای غیرحقیقی آن همراه باعلاقه تشابه میان معنای حقیقی و مجازی و قرینه‌ای که مانع از اراده معنای حقیقی می‌شود. برای استعاره تقسیماتی بیان شده که حاصل هر یک، وجود اقسام متنوعی برای آن است. هر استعاره سه رکن دارد: مستعار منه (همان مشبه‌به در تشبیه)، مستعار له (مشبه)، مستعار (لفظی که عاریه گرفته شده) و نیز جامع (وجه شبه) (دشتیان نژاد، ۱۳۹۷: ۱۷ و ۱۸).

۲-۵- کنایه

کنایه یکی از شیوه‌های بیان معانی و مفاهیم است که موجب آفرینش زیبایی در سخن و تأثیر در مخاطب می‌شود. «کنایه در لغت، به معنی پوشیده سخن گفتن است و در اصطلاح، سخنی است که دارای دو معنی قریب و بعید باشد و این دو معنی لازم و ملزوم یکدیگر باشند. پس گوینده آن، جمله را چنان ترکیب کند و به کاربرد که ذهن شنونده از معنی نزدیک به معنی دور منتقل گردد... کنایه گونه‌ای از مجاز است؛ زیرا در هر دو تکیه بر معنای پنهان است. از تفاوت‌های آن‌ها اینکه در دیگر انواع مجاز حتماً قرینه صارفه‌ای در کلام وجود دارد که شخص را به معنای مجازی راه

می‌نماید، ولی در کنایه هیچ قرینه‌ای وجود ندارد، بلکه باید بتوان با استدلال و لازم و ملزوم از معنای لفظی به معنای باطنی و ادبی راه یافت» (نجف‌آبادی، ۱۳۸۹: ۱۵۶).

یکی از وجوه برجسته قرآن کریم بلاغت آن است؛ یعنی سخنی زیبا و رسا که سخن خداوند نمونه بی‌مثال آن است. از دیرباز تاکنون مسلمانان برای نشان دادن شگفت‌آفرینی قرآن کتاب‌های فراوانی نوشته‌اند؛ اما باز هم بشر در درک بسیاری از این معانی عاجز است. زیبایی قرآن چه از نظر مفاهیم آن و چه از نظر ظاهر و ساختار سوره‌ها شگفت‌انگیز و قابل‌تحسین است. بیان دل‌نشین آیه‌ها، تعبیرهای زیبا و لطیف و به‌کارگیری منابع ادبی و بلاغی به قرآن جلوه طراوت خاصی بخشیده است. آیات قرآن مجموعه‌ای از عبارات و جملاتی است که خود از واحدهای کوچک‌تری به نام کلمات یا واژه‌ها شکل یافته‌اند. «واژگان قرآنی همان واژگانی است که نقش اصلی را در آیه دارد و منبع نوری است که الهام‌بخش است و معنا را گسترش می‌دهد. بدون فهم آن واژگان به شکل درست و دقیق پژوهشگر و جستجوگر نمی‌تواند به اسرار قرآن دست یابد و از کشف ژرفا و اشراف بر ابعاد آن محروم می‌ماند. (عضیمه، ۱۳۸۱: ۱۸).

از این تعاریف می‌توان فهمید که گاهی این واژگان از معنای اصلی و حقیقی خود فراتر می‌روند و همین جاست که با پی بردن به معنای موردنظر زیبایی اسرار قرآن بیشتر درک می‌شود. «اهل نظر و ژرف‌نگران درمی‌یابند که معنای لغوی به‌تنهایی کفایت نمی‌کند و زیبایی‌های ادبی و بلاغی به‌طور کامل ایفای مسئولیت نمی‌کنند و به هدف خواسته‌شده نهای نائل نمی‌شوند. معنای فقهی و دینی توان کشیدن همه بار معنا را ندارند. از این‌رو بادربرگیری آن گنجینه‌ها رنجور به نظر می‌آیند؛ و زیبایی‌های معنوی یا تأویل‌های صوفیانه نمی‌دهند، ولی کفایت نمی‌کنند تنها چیزی که باقی می‌ماند این است که این اصطلاحات چیز دیگری هستند که احساس فهمیده شدن به آدمی دست می‌دهد ولی توانا به آن نیست. آن را می‌بیند ولی پروای درک و احاطه به آن وجود ندارد. این یکی از شگفتی‌های قرآن است؛ و در این گنجینه است که استعدادها به رقابت می‌پردازند و سخن‌ها گوناگون می‌گردد» (همان: ۲۰ و ۲۱). در این پژوهش نیز تلاش بر این است که معنای مختلف واژه ید و مشتقاتش را با تکیه بر تفاسیر و روایات و با به‌کارگیری علم بیان درک کنیم.

مراد از کارکرد دلالتی واژه ید بررسی و شناخت معنای اولیه و معنای بعدی آن در قرآن کریم است. واژه ید به معنای دست از اعضای بدن است. معنای آن در لغت عضو بدن از شانه تا سرانگشتان نعمت و احسان، قدرت و سلطنت، تصرف و مالکیت است. وقتی که گفته می‌شود: «هو فی یدی» همان معنای «هوفی ملکی و حوزتی» را می‌دهد. یا وقتی گفته می‌شود «یده علیه» یعنی بر او قدرت و سلطنت دارد؛ و از این قبیل (ر.ک: معجم الوسیط: ۱۰۶۳) واژه ید در قرآن ۱۱۵ مرتبه آورده شده است.

۳- کارکردهای ید در قرآن

۳-۱- از سرانگشتان دست تا مرفق

خداوند متعال در آیه ۶ سوره المائده می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ وَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ﴾ این آیه معروف به آیه وضو است؛ و مقصود از ایدیکم در این آیه به خاطر آمدن قرینه «الی المرافق» بین مرفق تا سرانگشتان دست فاصله است.

۳-۲- سرانگشتان دست تا مچ

خداوند متعال در آیه ۴۳ سوره النساء درباره تیمم می‌فرماید ﴿فَلَمْ يَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا فَامْسَحُوا بِوُجُوهِكُمْ وَأَيْدِيكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَفُوًّا غَفُورًا﴾ مقصود از ایدیکم مچ دست تا سرانگشتان است، بنابراین در تیمم پس از زدن دست به خاک و کشیدن آن به صورت و دستان از سرانگشتان تا مچ مسح می‌شود. البته بین علمای شیعه و اهل سنت در این نظر اختلاف وجود دارد و اکثر فقهای اهل سنت بر این اعتقادند که مسح تا مرفقین است ولی مشهور بین فقهای شیعه این است که مسح در تیمم تا مچ است.

۳-۳- معنای اعمال

قرآن کریم در آیه ۱۸۲ سوره آل عمران می‌فرماید: ﴿ذَلِكَ بِمَا قَدَّمْتُمْ أَيْدِيَكُمْ وَأَنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِظَلَامٍ لِلْعَبِيدِ﴾. مقصود از «ما قدمت ایدیکم» اعمال آنان است که موجب عذاب سوزان خداوند شده است و چون غالباً دست ابزار پیش فرستادن عمل است «قدمت» به «ایدیکم» نسبت داده شده است. (طباطبایی، ۱۹۹۷: ۱۸/۲۷۴).

همچنین در آیه ۲۲ سوره حج خداوند می‌فرماید ﴿ذَلِكَ بِمَا قَدَّمْتُمْ يَدَاكُمْ وَأَنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِظَلَامٍ لِلْعَبِيدِ﴾ این به سبب گناهی است که مرتکب شده‌ای و گرنه خدا نسبت به بندگانش ستمکار نیست. در این آیه نیز بما قدمت ایدیکم به معنای گناهی است که مرتکب شده‌اند و ید مجاز مفرد مرسل به علاقه سببیت است چرا که دست سبب انجام گرفتن عملی است.

۳-۴- معنای پیش رو و حضور

خداوند متعال در آیه ۴۲ سوره فصلت می‌فرماید: ﴿لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ تَنْزِيلٌ مِنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ﴾ به قرینه «من خلفه» می‌توان گفت «بین یدیه» نیز به معنای پیش رو و تورات و انجیل موجود در آن زمان است. همچنین در آیه ۳ سوره آل عمران می‌فرماید: ﴿نَزَّلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ

بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ وَأَنْزَلَ التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ ﴿﴾ کتاب را به حق بر تو فرد فرستاد که تصدیق کننده کتاب‌های آسمانی پیش روی خود است. در این آیه نیز «یدی» به معنای حضور است و چون صورتی که الآن موجود است، در دسترس مردم بوده است، تعبیر به مصدقا لما بین یدیه شده است.

۵-۳- معنای اختصاص

خداوند متعال در آیه ۷۱ سوره یس می‌فرماید: ﴿أَوْ لَمْ يَرَوْا أَنَّا خَلَقْنَا لَهُمْ مِمَّا عَمِلَتْ أَيْدِينَا أَنْعَامًا فَهُمْ لَهَا مَالِكُونَ﴾ در این آیه کلمه عملت ایدینا به معنای درست کردن با دست است و کنایه از اختصاص است و گفته است که آفرینش چهار پایان مختص قدرت خداوند است و این آیه تدبیر عالم و ربوبیت خداوند را خاطر نشان می‌سازد.

همچنین خداوند متعال در آیه ۴۵ سوره ص می‌فرماید: ﴿وَأَذْكُرْ عِبَادَنَا إِبْرَاهِيمَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ أُولِي الْأَيْدِي وَالْأَبْصَارِ﴾ در این آیه نیز همچون آیه قبل کلمه ایدی به معنی اختصاص است. طباطبایی می‌گوید: خداوند در این آیه خلقت بشر را به دست خود نسبت داده و فرموده چه ممانعت شد از اینکه برای چیزی سجده کنی که من آن را با دستهای خودم آفریدم. به این منظور بوده که برای آن شرافتی اثبات نموده بفرماید: هر چیز را به خاطر چیز دیگر آفریدم ولی آدم را برای خودم همچنان که جمله «و نفخت فیه من روحی» و از روح خودم در او دمیدم» نیز این اختصاص را می‌رساند و اگر کلمه «ید» را تشبیه آورده و فرمود «یدی - دودستم» باینکه می‌توانست مفرد بیاورد برای این است که به کنایه بفهماند در خلقت او اهتمام تام داشتم چون ما انسان‌ها هم در عملی هر دو دست خود را به کار می‌بندیم که نسبت به آن اهتمام بیشتری داشته باشیم. پس جمله «خلقت بیدی، نظیر جمله مما عملت ایدینا است» (طباطبایی، ۱۹۹۷: ۳۴۳/۱۷).

۶-۳- معنای قدرت

خداوند متعال در آیه ۱۷ سوره ص می‌فرماید ﴿اصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَاذْكُرْ عَبْدَنَا دَاوُودَ ذَا الْأَيْدِ إِنَّهُ أَوَّابٌ﴾ در این آیه کلمه «اید» مجاز از نیرو و قدرت است و ذالاید یعنی کسی که نیرومند است. طباطبایی نیز می‌گوید: کلمه اید به معنی نیرومند است و حضرت داوود (ع) در تسبیح خدای متعال مردی نیرومند بود و خدا را تسبیح می‌کرد و کوه‌ها و مرغان هم با او هم‌صدا می‌شدند و نیز مردی نیرومند در سلطنت و نیرومند در علم، نیرومند در جنگ بود و همان کسی است که جالوت را به قتل رسانید. (طباطبایی، ۱۹۹۷: ۲۸۸/۱۷). کلمه اید مجاز مفرد مرسل به علاقه سببیت است چرا که ید سبب قدرت و نیرو است.

خداوند متعال در آیه ۱۰ سوره فتح می‌فرماید: ﴿إِنَّ الدِّينَ يُبَايِعُكَ إِمَّا يُبَايِعُونَ اللَّهَ يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ﴾ در این آیه واژه ید به قرینه الله مجاز مفرد مرسل به علاقه سببیت است. چرا که دست

سبب قدرت و نیرو است و مراد از ید در این آیه همان قدرت خداوند است که بر دیگر قدرت‌ها برتری دارد و ید در جایگاه حقیقی به معنای دست و در معنای مجازی قدرت اراده می‌شود.

۷-۳- معنای مالکیت و اختیار

خداوند متعال در آیه ۷۰ سوره انفال فرموده است: ﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِمَنْ فِي أَيْدِيكُمْ مِنَ الْأَسْرَىٰ إِنَّ يَٰعَلَّمَ اللَّهُ فِي قُلُوبِكُمْ خَيْرًا يُؤْتِكُمْ خَيْرًا مِّمَّا أُخِذَ مِنْكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾ در این آیه، خداوند به پیامبر (ص) می‌فرماید: ای پیامبر به اسیرانی که در اختیار شمایند بگو: اگر خدا خیری در دلها شما بداند بهتر از مالی که از شما گرفته‌اند به شما می‌دهد و گناهانتان را می‌آمرزد و خدا بسیار آمرزنده و مهربان است. در این آیه عبارت (من فی ایدیهم) مجاز از سلطه و اختیار است و به معنای کسانی است که در اختیار پیامبر قرار دارند. همچنین خداوند متعال در آیه ۸۳ سوره یس می‌فرماید: ﴿فَسُبْحَانَ الَّذِي بِيَدِهِ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ﴾ منزه است خدایی که مالکیت و فرمانروائی همه چیز به دست اوست و شما را به سوی او باز می‌گردانند. در این آیه نیز واژه ید استعاره از سلطه داشتن و اختیار است. همچنین در آیه ۲۹ سوره حدید ﴿لَيْلًا يَعْلَمُ أَهْلَ الْكِتَابِ أَلَّا يَقْدِرُونَ عَلَىٰ شَيْءٍ مِّنْ فَضْلِ اللَّهِ وَأَنَّ الْفَضْلَ بِيَدِ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ﴾ منظور از آن الفضل بید الله به معنای این است که همه فضل به دست خداست و دست مجاز از سلطه و اختیار و مالکیت خدا است.

۸-۳- استعاره از ولایت

خداوند متعال در آیه ۲۳۷ سوره بقره می‌فرماید ﴿وَإِنْ طَلَّقْتُمُوهُنَّ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَمْسُوهُنَّ وَقَدْ فَرَضْتُمْ لَهُنَّ فَرِيضَةً فَرِيضَةٌ مِّمَّا فَرَضْتُمْ إِلَّا أَنْ يَعْفُونَ أَوْ يَعْفُوَ الَّذِي بِيَدِهِ عُقْدَةُ النِّكَاحِ وَأَنْ تَعْفُوا أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ وَلَا تَنْسُوا الْفَضْلَ بَيْنَكُمْ إِنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ﴾ ترجمه: و اگر پیش از آنکه زنان دست بزیند طلاقشان دادید و مهری برای آن‌ها مقرر داشته‌اید نصف آنچه مقرر داشته‌اید باید بدهید مگر آنکه گره زناشویی به دست او است گذشت کند و گذشت کردن شما به پرهیزگاری نزدیک‌تر است. بزرگواری را میان خودتان فراموش نکنید که خدا به آنچه می‌کنید بیناست. در این آیه منظور از بیده عقده النکاح کسی است که گره ازدواج در دست اوست؛ و واژه ید استعاره از ولایت و سرپرستی است.

۹-۳- معنای تنگدستی و کمال قدرت

خداوند متعال در آیه ۶۴ سوره مائده می‌فرماید: ﴿وَقَالَتِ الْيَهُودُ يَدُ اللَّهِ مَغْلُولَةٌ غُلَّتْ أَيْدِيهِمْ وَعُلُوًّا بِمَا قَالُوا بَلْ يَدَاهُ مَبْسُوطَتَانِ يُنفِقُ كَيْفَ يَشَاءُ﴾ یهود گفت دست خدا بسته است، دستشان بسته باد و از

حرمت خدا دور باشند، برای این کلمه کفری که گفتند بلکه دستهای خدا باز است می‌دهد به هر نحوی که بخواهد و به زودی بسیاری از آنان در موقع نزول قرآن به طغیان و کفر خود می‌افزایند و ما بین یهود و نصارا عداوت و بغضی انداختیم که تا روز قیامت امتداد داشته باشد. هر وقت آتشی برای جنگ افروختند خدا خاموش نمود. علاوه بر این اینان با گناهان و تکذیب پیغمبران و کوشش در محو اسم پیغمبر از تورات در زمین فساد می‌انگیزد. (طباطبایی، ۱۹۹۷: ۳۶/۶).

جدول آیات و سوره‌های مربوط به معانی ید و مشتقات آن

آیات ۷۹ بقره / ۲۴۹ بقره / ۴۳ نساء / ۳۳ مائده / ۳۸ مائده / ۲۸ مائده. ۷ انعام / ۱۰۸ اعراف / ۱۲۴ اعراف / ۱۹۵ اعراف / ۷۰ هود / ۳۱ یوسف / ۵۰ یوسف / ۹ ابراهیم / ۲۲ طه / ۷۱ طه / ۴۰ نور / ۲۷ فرقان / ۲۴ نور / ۳۳ شعرا / ۴۹ شعرا / ۱۲ نمل / ۳۲ قصص / ۳۵ یس / ۶۵ یس / ۴۴ ص / ۲ ممتحنه	معنای دست و انگشتان
۶۶ بقره / ۹۷ بقره / ۲۵۵ بقره / ۵۰ آل عمران / ۴۶ مائده / ۴۸ مائده / ۱۷ اعراف / ۵۷ اعراف / ۳۷ یونس / ۱۱۱ یوسف / ۱۱ رعد / ۶۴ مریم / ۱۱۰ طه / ۲۸ انبیاء / ۷۶ حج / ۴۸ فرقان / ۶۳ نمل / ۹ سباء / ۱۲ سباء / ۳۱ سباء / ۴۶ سباء / ۳۱ فاطر / ۹ یس / ۴۵ یس / ۱۴ فصلت / ۲۵ فصلت / ۴۲ فصلت / ۸ تحریم / ۱۲ ممتحنه / ۱۳ مجادله / ۱۲ مجادله / ۳۰ احقاف / ۲۱ احقاف.	معنای پیش رو و حضور
۲۳۷ بقره	معنای ولایت
۷۳ آل عمران / ۲۶ انفال / ۶۲ انفال / ۷۱ یس / ۱۷ ص / ۴۵ ص / ۷۵ ص / ۲۲ مجادله / ۱۰ فتح	معنای قدرت و نیرو
۷۰ انفال / ۸۳ یس / ۱۵ عبس / ۱ ملک / ۲۹ حدید	معنای سلطه و مالکیت
۱۸۲ آل عمران / ۵۱ انفال / ۱۰ حج / ۵۷ کهف / ۴۷ قصص / ۳۶ رم	اعمال
۷۱ یس / ۷۵ ص	اختصاص
۶۴ مائده / ۴۰ توبه / ۶۷ توبه / ۲۹ اسراء	جود و بخل

۴- نتیجه‌گیری

بررسی‌های انجام شده در این پژوهش نشان می‌دهد که واژه ید و مشتقات آن هرچند بیشتر به معنای دست به‌عنوان یکی از اعضای بدن اراده می‌شود، اما نمی‌توان به‌طور قطع یک معنای همیشگی و ثابت برای آن در نظر گرفت و تحلیل معنای آن باید با توجه به میدان معنایی و عناصر ساختاری مرتبط صورت پذیرد و با توجه به جمله‌ای که در آن قرار گرفته و قرینه‌هایی که در جمله

وجود دارد، معنای آن را درک کرد. واژه ید در بسیاری از آیات قرآن کریم به ایفای نقش پرداخته و در غیر معنای حقیقی خود از جمله قدرت و نیرومندی، اختصاص و اختیار و مالکیت، جود، بخل، اعمال، ولایت، پیش رو و حضور و در برخی آیات نیز واژه ید تنها بر قسمتی از دست یا پا انگشتان دلالت داشته است.

فهرست منابع

قرآن کریم.

ادریسی، محمدحسین. (۱۳۷۹). «سیری در مجاز مرسل». *مجله پژوهشی علوم انسانی دانشگاه اصفهان*، ۱۱(۲-۱)، ۴۵-۶۰.

امیرزاده جیرکلی، منصور. (۱۳۸۵). «مبانی فقهی مجازات سارق، مستندات و مبانی فقهی ماده ۲۰۱ قانون مجازات اسلامی». *مجله فقه و مبانی حقوق اسلامی*، ۶، ۶۱-۸۰.

أنیس، ابراهیم و دیگران. (۲۰۱۱). *المعجم الوسیط (الطبعة الخامسة)*. القاهرة: مكتبة الشروق الدولية. پاکتچی، احمد. (۱۳۹۳). «معناشناسی حسن و قبح در قرآن و احادیث». *مجله روش شناسی مطالعات دینی*، ۱(۲)، ۲۲-۱۰.

حسینی، زینب السادات، حسین زاده، اکرم، و حسین زاده، پریسا. (۱۳۹۵). «روش شناسی کتاب معناشناسی واژگان قرآنی عظیمه صالح». *نخستین همایش ملی واژه پژوهی در علوم اسلامی دانشگاه یاسوج*. خوانین زاده، محمدعلی. (۱۳۹۴). «معناشناسی تاریخی واژه رب». *مجله پژوهش‌های زبان‌شناختی قرآن دانشگاه اصفهان*، ۴(۲)، ۷۷-۱۲۰.

دشتیان نژاد، سکینه. (۱۳۹۷). «قرآن، رخ‌نمایی علم بیان». *فصلنامه اورمزد*، ۴۵، ۴-۲۴. سجادی، سید ابوالفضل، و ماستری فراهانی، سمیه. (۱۳۹۴). «رویکردی زبان‌شناختی پیرامون چندمعنایی واژه «رحمة» در قرآن کریم». *پژوهش‌های ادبی - قرآنی*، ۳(۲)، ۲۷-۴۶.

سجادی، سید ابوالفضل، و محبی، سحر. (۱۳۹۱). «معناشناسی تاریخی و توصیفی واژه «سبیل» در قرآن کریم». *دوفصلنامه قرآن پژوهی حسنا*، ۴(۱۵)، ۸۳-۱۰۲. سجودی، فروزان. (۱۳۸۸). *نشانه‌شناسی: نظریه و عمل*. تهران: نشر علم.

سیدی، سید حسین، خلف، حسن، احدی، سیف‌الله، و سنچولی جدید، اردشیر. (۱۳۹۳). تحلیل معناشناختی برخی از واژگان قرآن در فرآیند ترجمه. *فصلنامه مطالعات ادبی قرآن*، ۱(۲)، ۸۳-۱۰۵.

سیوطی، جلال‌الدین. (۲۰۰۷). *الاتقان فی علوم القرآن*. بیروت: دارالکتب العربی.

شمیسا، سیروس. (۱۳۸۳). *بیان و معانی*. تهران: انتشارات فردوس.

طباطبایی، محمدحسین. (۱۹۹۷). *تفسیر المیزان*. بیروت: موسسه علمی مطبوعات.

عظیمه، صالح. (۱۳۸۱). *معناشناسی واژگان قرآنی*. (مترجمان: سیدحسین سیدی، حمیدرضا نگهبان). آستان قدس رضوی: به نشر.

کزازی، میرجلال‌الدین. (۱۳۹۱). *زیباشناسی سخن پارسی (بیان ۱)*. تهران: نشر مرکز کتاب ماد.

لاینز، جان. (۱۳۹۲). *درآمدی بر معناشناسی زبان*. (ترجمه کوروش صفوی). تهران: نشر علمی.

مظفر، محمدرضا. (۱۳۸۴). *منطق*. (ترجمه علی شیروانی). تهران: دارالعلم.
هادی، اصغر. (۱۳۹۱). «روش نوین در معناشناسی مفاهیم و واژه‌های قرآن». *فصلنامه پژوهش‌های قرآنی*، ۱۸ (۴)، ۱۰۲-۸۶.